

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

23 دسمبر 2011

گذرهای در فیس بک

(گذر سی و دوم)

جناب محترم معظم محمد ابراهیم "زرغون" به ارتباط گذر سی و یکم و پاسخ منظومه "در گلستان محبت" پارچه شعری را به تعریف این نمله چنین سروده اند:

Zarghoon Mohammad Ibrahim

معروضه این حقیر

خود شکستی نفس خود را هوشیار
مشرّب شیطانى را نفس خدار
هرکه نتواند شمردن ، کم خودى
این بود الگوى مرد با وقار
" نعمتا " دست نوازش بر سرم
تا نپاشم نزد یاران شرمسار
من غریب و خانه بردوشم عزیز
صدهزاران رنج دارم بار بار
رنج من درد و غم آوارگیست
دردى از غم‌های ملت بی شمار
ملت آزاده افغان من
بی نظیر و بس حقیر در هر دیار

خواهم از تو دست بردارنزد حق
تا قبول افتد ثنای عجز و زار
تا ابد «زرغون» بروبد درب تو
نه بجاروب، مژه هایم راه وار

باعرض حرمت

استغفر الله!!!

Mokhtarzada Nematullah

بنده با قدردانی از سروده زیبای ایشان، پارچه ای را زیر عنوان
"التجای نوازش" انشاد کرده خدمت شان تقدیم نمودم:

التجای نوازش

با درود و با سپاس بیشمار
خدمت آقای (زرغون) ، بار بار
عرض اخلاص و ادب دارم حضور
چون برادر کوچک بی بند و بار
نامه منظوم ثانی شما
بنده را بنموده خیلی شرمسار
من که سر تا پای ، غرقم در گنه
نیست جای ما بجز از قعر نار
می نکن از مادر یغ ، ای محتشم
در سحرگاهان دعا ، بر این نزار
التجای دارم ، نوازش از شما
تا قصورم را ببخشد کردگار
با سلاح نغز شعر و تیغ طنز
جاری از طبعم شود روز هزار
جان ملا و چلی و طالبه
حمله های نمه وار و نحله وار
زانکه بدبختی عالم ، زین گروه

هر یکی چون غنـدل و گزدم و مار
معذرت خواهم که رفتم ، حاشیه
حال آیم بر سرِ موضوع دوبار
خواهشِ کوتاهی دارم از شما
پرسشـم را ، با بزرگی ، گوش دار
شعرِ تانرا چند باره ، خواندمی
یک دو بیتش ، نزدِ ما ایهام دار
می نفهمیدم ز منظور و هدف
آن دو بیتِ شعرِ تان از این قرار
(خود شکستی نفس خود را هوشیار
مشرَب شیطانـی را نفسِ غدار
هر که نتواند شمردن ، کم خودی
این بُودِ الـگـویِ مرد باوقار)
حال « نعمت » انتظارِ پاسخ است
گر توانی ، چند سطری می نگار